

مذاق شرع در کیفیت و اعتبار*

سیدرضی قادری

چکیده

مذاق شرع یا ذوق شارع، از اصطلاحاتی است که در میان فقهای متأخر و معاصر مطرح شده است. در این مقاله، سعی شده چستی آن را مشخص کرده، سپس به مستندات و قلمرو آن پرداخته شود تا گستردگی ابعاد آن در ابواب فقهی، معین شود. آن گاه به اعتبار و حجیت آن پرداخته می شود تا گستردگی ابعاد آن در ابعاد فقهی، روشن شود. آن گاه اعتبار و حجیت آن بررسی شده، در نهایت، این موضوع ارزیابی می شود تا قوت و ضعف آن مشخص شود و جایگاه آن در راه های استنباط احکام شرعی مشخص شود.

کلیدواژه ها

مذاق شرع، روح شریعت، مقاصد شرع، مذاق فقه، شارع.

مقدمه

تردیدی نیست که باب اجتهاد در مذهب شیعه باز است و بهترین گواه بر این امر، کتب فقهی و بررسی های فقهی و علمی فقهای عظیم الشان شیعه در طول تاریخ است.

* تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۴/۱۵؛ تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۷/۳۰.

** سطح چهار حوزه علمیه، استاد سطوح عالی حوزه.

همچنین تردیدی نیست که فقه شیعه، پویا بوده و در تمامی زمان‌ها پاسخ‌گوی نیازهای مکلفان در اعمال شرعی آن‌ها بوده است. اما باید توجه داشت که این اجتهاد و آن پویایی، موجب شده که در طریق استنباط احکام شرعی، به نگرش‌ها و استناداتی مواجه شویم که برخی از این استنادات، به یک اصطلاح فقهی منجر می‌شود که لازم است در آن تأمل شود تا راهگشای سایر محققان و پژوهندگان طریق فقهی باشد. یکی از این اصطلاحات فقهی «مذاق شارع» است که بیش‌تر در کلمات و عبارات متأخرانی چون مرحوم کاشف الغطاء و مرحوم صاحب جواهر و نیز معاصرانی چون مرحوم آقای خویی و مرحوم امام خمینی (ره) یافت می‌شود که بسیار شایسته است در ترازوی نقد فقهی قرار گیرد تا میزان اعتبار و کیفیت آن، سنجیده شود.

شایان توجه است که آنچه بر غنا و عظمت علمی فقه شیعه می‌افزاید، همین استنادات و توجهات فقهی است که در تطور زمان بروز پیدا می‌کند؛ مثلاً فقیه اصولی شیعه مرحوم شیخ انصاری با گشودن باب «حکومت و ورود» در مباحث اصولی و فقهی، مساعدت شایسته‌ای به فقه اهل بیت (ع) کرده است که البته واژه مذاق شریعت در کلمات و عبارات شیخ انصاری به‌ویژه در کتاب «المکاسب» هم دیده می‌شود. البته باید متذکر شویم که برخی از این اصطلاحات و عبارات فقهی در کلمات و عبارات فقهای متأخر و معاصر مشاهده می‌شود، اما در رمزگشایی مسأله و با تحلیل دقیق آن، می‌توان گفت که اساس این مباحث، در عبارات و استدلال‌های قدما نیز موجود است. بنابراین نباید پنداشت که چنین اصطلاحات نوینی موجب باز شدن فقه جدید و کنار گذاشتن منابع واقعی استنباط و یا روی کار آمدن روش‌های غیرفقهی در استدلال‌های فقهی می‌شود. باید توجه داشت که همیشه باید در چنین مواردی کندوکاو و بررسی دقیق کرد تا روش‌های استنادی سره از ناسره و صحیح از ناصحیح، مشخص شود تا خدای ناکرده به استدلال‌ها و استنباط‌های نامقبولی همچون قیاس، استحسان و مصالح مرسله و امثال آن منتهی نشود.

تعریف مذاق شرع

نگارنده در باب حجیت قول لغوی، قائل به تفصیل معتقد است که در توضیح این قول به تفصیل می‌گوییم:

از آن‌جا که کتب لغوی بعد از تطوّر و تثبیت مذاهب فقهی نوشته شده است، از این رو، در بیان معانی لغت، گرایش‌های مذهبی نیز بی‌تأثیر نبوده است؛ مثلاً در باب غنا و قتی

به منابع اصلی لغوی مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم این منابع، غناراً براساس گرایش‌های مذهبی خود معنا کرده‌اند. بنابراین حجیت قول لغوی در دریافت برخی از معانی لغوی دچار تأمل می‌شود، مگر آن‌که آن لفظ دارای بار فقهی ابتدایی نباشد یا گرایش‌های مذهبی در آن دخیل نباشد. اما باید بگوییم در معنای «مذاق شرع» مطلب به صورت دیگری است؛ چون تعریفی که از مذاق و شرع بیان می‌شود، ابتدائاً هیچ بار فقهی‌ای ندارد و از ترکیب این دو واژه، یک اصطلاح فقهی ایجاد می‌شود که در مباحث گوناگون فقهی جایگاه دارد و از جهت دیگر این اصطلاح، بیش‌تر در میان متأخران و معاصران مطرح شده است؛ بنابراین هیچ شائبه‌ی دخل و تصرفی در معنای آن نمی‌رود.

در لغت

ابن منظور در «لسان العرب» ابتدا ماده‌ی ذوق و مذاق را در معنای مصدری آورده، می‌گوید:

به معنای چشیدن و به دست آوردن مزه‌ی خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها است. سپس اضافه می‌کند که این واژه به امری نیز اطلاق می‌شود که آزموده شده و با تجربه آشکار شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۰/۱۱۰).

جوهری در «صحاح اللغه» نیز همین معنای ابتدایی و اطلاق را به سان «لسان العرب» آورده است (جوهری ۱۴۰۷ ق: ۳/۱۴۸۰).

بنابراین ذوق و مذاق هم در معنای ابتدایی و هم در معنای اطلاق آن، به معنای فهمیدن و تجربه کردن است؛ در نتیجه فقهای شیعه که در پی تبیین احکام شریعت هستند، از این واژه در ابداع اصطلاح فقهی خود بهره برده‌اند.

در اصطلاح

با آن‌که این اصطلاح (مذاق شرع) در کلمات و عبارات برخی از فقها آمده است، کمتر فقیهی به تعریف و تبیین دقیق اصطلاحی آن پرداخته است.

مرحوم کاشف الغطاء در توضیح آن می‌فرماید: مذاق شرع، فهم و درک جدیدی است که فقیه با بهره‌گیری از ذوق سلیم و درک منضبط، پس از جست‌وجو در مجموع ادله، به آن دست می‌یابد. وی سپس می‌افزاید: همان‌طور که ادراکات حسی، بهره‌ای از چشایی، بویایی و نطق دارد، عقل آدمی نیز مانند آن بهره‌ای دارد که با حواس ظاهری، قابل درک

نیست. البته مرحوم کاشف الغطاء نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان تردیدی در اعتبار چنین درک و فهمی کرد؛ زیرا این امر نیز از موارد نصوص است و خارج از آیات و روایات نیست (کاشف الغطاء، بی تا: ۱/۱۸۷-۱۸۸).

مرحوم صاحب جواهر نیز در این باره می‌فرماید: سزاوار است که فقیه آگاه به لسان شارع، برای تمامی جزئیات، فقط به دنبال آیه و روایت نباشد (نجفی، ۱۳۹۲ق: ۲/۵۲).

نمونه‌های مشابه

مذاق شرع در کلمات فقها گاهی «مذاق شارع» خوانده شده است. اما تعابیر دیگری نیز در مباحث فقهی مشاهده می‌شود که از حیث ذوقی به مذاق شرع شباهت دارد، اما در مضاف الیه آن کلمه‌ای هست که به تأمل در باب اعتبار آن نیاز دارد و این که جایگاه آن باید مشخص شود. به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

الف) ذوق مشهور

شیخ انصاری در مکاسب محرمه در بحث کذب می‌فرماید: «هذا کله علی مذاق المشهور من انحصار جواز الکذب بصورة الاضطرار الیه حتی من جهة العجز عن التوریه» (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۲/۲۸)؛ مقصود مشهور فقها در قول به جواز کذب در برخی موارد، جایی است که اضطرار در میان باشد؛ به گونه‌ای که حتی از توریه نیز عاجز باشد؛ در چنین جایی می‌توان به جواز کذب، حکم داد.

مراد شیخ از «مذاق مشهور» در این جا، فهمی است که از اقوال و کلام مشهور فقها در مسأله به دست می‌آید.

ب) ذوق فقه

شاید چنین کلمه مرکبی به صراحت در کلمات متأخران دیده نشود، اما از فحوای کلمات آن‌ها برمی‌آید که آن‌ها ذوقی را متفاوت از ذوق شریعت مطرح می‌کنند که در شیوه فقهی قابل استناد می‌باشد. در میان فقها، مرحوم صاحب جواهر در موارد متعدد بدان استناد جسته است؛ ایشان در بحث نجاست اهل کتاب می‌فرماید: کسانی که نجس در آیه شریف «انما المشرکون نجس» را به خبث باطنی تفسیر می‌کنند، نصیبی از مذاق فقه ندارند (نجفی ۱۳۹۲ق: ۶/۴۴).

وی در باب ارث و فرائض نیز می‌فرماید: این که گفته شده خمس و حق امام(ع) را باید در دریا ریخت تا به دست امام(ع) برسد و امثال آن، از مواردی است که مذاق فقه آن را

پذیرا نیست (همان: ۲۶۲/۳۹).

البته موارد متعدد دیگری نیز می‌توان یافت که مرحوم صاحب جواهر بدان استناد جسته است (همان: ۱۷/۱۸، ۱۵۲/۲۶، ۳۸۷/۲۷).

امام خمینی در بحث خیار غبن می‌فرماید: خیار غبن در معاملاتی ثابت است که تفاوت قیمت، فاحش و زیاد باشد؛ به نحوی که غبن از آن آشکار شود؛ و الاً لازم می‌آید اکثر معاملات، خیاری باشد و خیار غبن در آن جاری بشود؛ و این برخلاف مذاق شرع و مذاق فقه است (امام خمینی، ۱۳۷۹ ش: ۲۸۹/۴).

نمونه‌های استنادی فقها به مذاق شرع

برای تبیین و تحلیل بیش‌تر مسأله لازم است به مواردی از تمسک و استناد فقها به مذاق شرع اشاره کنیم. در میان فقهای متأخر و معاصر، برخی مانند صاحب جواهر در موارد فراوان‌تری به این امر استناد کرده‌اند، اما این استناد در کلمات بسیاری دیگر از فقها کم و بیش مشاهده می‌شود؛ از این رو، بررسی آن، توجه مضاعفی می‌طلبد. در نتیجه این سخن، ناصواب است که بگوییم مرحوم صاحب جواهر مبدع این مسأله و این اصطلاح است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵: ۶).

البته ذکر این نکته لازم است که مرحوم صاحب جواهر بیش از سایر فقها در کتاب ارزشمند خود «جواهرالکلام» به این امر استدلال و استناد کرده است.

مرحوم صاحب جواهر در مستحبات و ضو به این مسأله می‌پردازد که آیا برداشتن آب وضو با دست راست، استحباب دارد یا خیر؟ وی به روایات عامی تمسک جسته که انجام فعل با دست راست را ترجیح می‌دهند؛ ایشان می‌فرماید: اگر ما دلیل خاصی در این جا نداشته باشیم، از مذاق شرع، چنین رجحانی استفاده می‌شود (نجفی، ۱۳۹۲: ۳۲۹/۲). در جای دیگری می‌فرماید: اگر در اصل وجوب چیزی شک داشته باشیم، تحصیل مقدمه واجب، طبق مذاق شرع واجب نیست. بلکه اگر اصل وجوب، مسلم باشد، باید در تحصیل مقدمات آن کوشید نه در جایی که اصل آن مشکوک است (همان، ۱۹۶/۱۵).

ایشان در باب ودیعه، این بحث را مطرح می‌کند که امین، ضامن نیست، در صورتی که افراط و تعدی نکرده باشد. حال آیا می‌توانیم در عقد ودیعه، ضامن را برای امین شرط کنیم؟ آن‌گاه می‌فرماید: این، برخلاف مذاق شارع است. مذاق شارع بر این است که اگر کسی مجاناً محافظ مال است، در آن افراط و تفریط نمی‌کند. چنین فردی، امین به حساب

می‌آید و اگر تلف یا نقصی در مال صورت بگیرد، به این امین مستند نخواهد بود؛ بنابراین نمی‌توان با استناد به «المومنون عند شروطهم» شرطیت ضمان را برای این امین مطرح کرد؛ و این، خلاف مذاق شارع است (همان: ۲۷/۲۱۷).

موارد فراوان دیگری در عبارات ایشان وجود دارد که به مذاق شرع استناد داده است (همان: ۱/۳۰۳، ۲۴/۲۲۲، ۳۰/۳۱۰ و ۴۰/۲۸۷).

امام خمینی در مکاسب محرمة، در بحث نقاشی و مجسمه‌سازی می‌فرماید: از مذاق شارع برمی‌آید که شارع، به بقای آثار کفر و شرک برای تعظیم و دوستی آن‌ها راضی نیست؛ بنابراین نقاشی از شمایل بت‌ها نیز حرام است (امام خمینی، ۱۴۱۰: ۱/۲۶۸).

آیت الله خوئی در استدلال بر شرط رجولیت برای مرجع تقلید می‌فرماید: از مذاق شرع به دست می‌آید که وظیفه زنان، محفوظ داشتن خویش از طریق پوشش و خانه‌داری و امثال آن است؛ و اجتناب از اموری که منافی با آن است. بنابراین اشتغال به افتاء و مرجعیت و ریاست، موجب می‌شود که مورد مراجعه فراوان مردان قرار بگیرد که شارع بدان رضایت نمی‌دهد (خوئی، ۱۴۱۳: ۱/۱۸۷).

آیت الله حکیم در باب زکات، در استدلال بر وجوب انتقال زکات از شهری به شهر دیگر در صورت عدم وجود مستحق در شهر سکونت خود می‌فرماید: واجب است زکات را به آن شهر انتقال بدهد تا به دست مستحق برسد تا موجب تضييع حق مستحقین زکات نشود که مذاق شارع بر تحریم چنین تضييعی است (حکیم، ۱۴۰۴: ۹/۳۲۲).

البته مواردی که فقهای بزرگوار در مباحث خود به مذاق شرع استناد کرده‌اند، بسیار بیش‌تر از این مقدار است؛ اما به همین اندازه، بسنده می‌شود تا مراد از استناد به مذاق در کلمات فقها و مباحث فقهی آشکار شود.

مذاهب شرع و مقاصد شرع

یکی از مطالبی که در باب مذاق شرع، از باب تشابه باید به آن توجه داشت، مقاصد شرع است. منظور از «مقاصد شرع» حکمت‌ها و غایاتی است که شارع در احکام خود برای مصالح بندگان خود، در نظر گرفته است (علیدوست، ۱۳۸۴: ش: ۴۴).

به تعبیر دیگر، منظور از آن، غایات و اهدافی است که در احکام الهی بیان شده است. این اهداف و غایات، گاهی به صورت مستقیم در نصوص دینی مطرح شده است که مثلاً خداوند می‌فرماید: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج/۷۸)، و گاهی هم به صورت

غیرمستقیم ولی با اصطیاد و استقرای مجموعه احکام، به دست می‌آید؛ مثلاً مرحوم میرزای قمی تأخیر در پرداخت زکات را در صورت عدم عذر، حرام می‌داند و دلیل حرمت را مجموع ادله و مقصود شارع از مجموع ادله در باب تشریح و تأدی زکات می‌داند (قمی، بی تا: ۱۹۲/۴).

پس مراد از مقاصد شرع، همان اهداف کلی و فراگیر و اصول ثابت شارع است که به صورت صریح یا ضمنی، در نصوص بیان شده است (رفاعی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۰).

بنا بر مطالبی که بیان شد، باید بگوییم مقاصد شرع و مذاق شرع، همان طور که دارای تشابهاتی هستند، تفاوت‌هایی نیز دارند که به تحلیل و تجزیه دقیق این دو اصطلاح می‌انجامد؛ مثلاً ممکن است مذاق شرع در برخی موارد، ناظر به مقاصد شرع هم باشد؛ اما در مقاصد شرع، یک نوع استقلال در روش استنباط حکم شرعی مشاهده می‌شود، بدین معنا که مقاصد شرع به تنهایی می‌تواند منبع استنباطی حکم قرار بگیرد. چنین استقلالی در فهم و استناد به مذاق شرع، به آسانی ممکن نیست. به عبارت دیگر، شاید بتوان گفت که مذاق شرع یک نوع استدلال و فهم در ادله است که در طول منابع استنباطی قرار می‌گیرد، ولی مقاصد شرع را می‌توان در عرض دیگر ادله دانست و با قطع نسبت به آن، حکم صادر کرد. البته مراد از مقاصد شرع در این جا غیر از مصالح مرسله‌ای است که در منابع اجتهادی اهل سنت، مطرح شده است؛ در تعریف و تبیین مصالح مرسله گفته‌اند: مراد، محافظت از مصالحی است که شارع بر احکام خود قرار داده است و کشف این مصالح و محافظت بر آن، به نص خاص نیست، بلکه بر پایه کشف عقل و عرف است (سبحانی، ۱۴۲۴: ۱۸۷/۴).

بنابراین مشاهده می‌شود که مراد از مصالح مرسله، یک فهم عرفی و عقلی ساده و قواعد عام است، نه مقاصد قطعی و یقینی شارع با تکیه بر نصوص.

قلمرو مذاق شرع

یکی از مباحثی که باید بدان توجه کرد، گستره این بحث و مقدار قلمرو آن است؛ به این معنا که شمول این مسأله تا کجاست و آیا می‌توان در تمامی ابواب و موضوعات، به آن استناد کرد یا مواردی هست که در آن‌ها، این استناد، متانت و قوام نخواهد داشت.

از برخی مباحث قبلی مشخص شد که مراد از مذاق شرع نباید به سمت استنادات و اجتهادات ظنی برود که مورد رضایت شریعت نیست؛ همچون قیاس، استحسان، مصالح

مرسله و امثال آن. همان طور که نزد فقیهان اهل سنت، استحسان، دلیلی است که نزد مجتهد و مطابق عقل و فهم او نیکو جلوه کند و می تواند مبنای حکم قرار بگیرد (راسخ، ۱۴۱۴: ۲۱). به طور قطع می توان گفت چنین مبنایی در فقه شیعه، جایگاهی ندارد؛ چون هیچ گاه نباید منابع اجتهادی را آن قدر تنزل داد که فهم یک مجتهد در درک علت تامه، یک دلیل مستقل و اصل قرار بگیرد و حتی تا حدّ شرع ترقی کند. از این رو، ما در مباحث متعددی از فقه شیعه می بینیم که وقتی فقها به مذاق شارع (یا مذاق شرع) استناد می کنند، نوعاً در جاهایی است که نصوصی پشتوانه آن شده و از اصطیاد آن نصوص، ذوق شارع مستند شده است.

از سوی دیگر، نمی توان قلمرو و مذاق شرع را آن قدر وسیع دانست که به قیاس دچار شود. در تعریف قیاس چنین می گویند: «حکمی که بر موضوع معلومی ثابت شده، بر موضوع دیگر به واسطه اشتراک آن دو در علت حکم بار شود.» البته مراد، جایی است که علت حکم، منصوص نباشد؛ زیرا قیاسی که نزد اهل سنت اعتبار دارد، فقط سرایت حکم در موضوعات مشابه است و این سرایت حکم و آن تشابه، با استنباط ظاهری به دست می آید. اما باید توجه کنیم که مراد از مذاق شرع، به پشتوانه نصوص و مجموعه ادله ای است که شارع آن ها را حجت دانسته و اعتبار کرده است؛ بنابراین مذاق شرع به پشتوانه آن ها موجب اطمینان نوعی می شود.

البته باید توجه داشت که رسیدن به مذاق شرع، آسان نیست و برای همگان میسر نخواهد بود. مرحوم صاحب جواهر در ذیل برخی از مباحث خود می فرماید: «شناخت مذاق شرع، روزی همگان نخواهد بود و این معرفت مذاق شرع را خداوند باید روزی افراد قرار دهد» (نجفی، ۱۳۹۲ق: ۳۰/۱۹۵).

بنابراین باید دانست که چنین معرفتی و رسیدن به مذاق شرع، فقط با ممارست فراوان در ادله احکام و نیز تعمق و احاطه بر مبانی و منابع نصوص شرعی میسر خواهد بود.

برآیند مذاق شرع

وقتی عبارات و کلمات و استناد فقهای بزرگوار به «مذاق شرع» توجه می شود، در می یابیم که شیوه استناد و استنباط آن ها یکسان نیست؛ از این رو، لازم است ما هر کدام از این استنادها را مشخص کرده و سپس به اعتبار آن پردازیم.

الف) مذاق شرع ناظر به صفات شارع

مرحوم بحرالعلوم در بررسی قاعده لاضرر، به احتمالات و معانی متعدد آن اشاره می‌کند و سپس یکی از آن معانی را می‌پذیرد و می‌فرماید: این قول، اقرب به مذاق شرع است که مذاق شارع مبتنی بر مصلحت و لطف بر بندگان است (بحرالعلوم، ۱۴۱۳ق: ۲۲۸/۳).

در چنین مواردی، استناد به مذاق شرع، در ظاهر متفاوت جلوه می‌کند، اما باید بگوییم که مذاق شرع نیز مستفاد و مستظهر به چنین مواردی است.

ب) مذاق شرع ناظر به حکم عقل

مرحوم صاحب جواهر درباره عدم جواز تحلیل و طی کنیز نسبت به افراد مختلف در زمان واحد می‌فرماید: «از مذاق شرع، می‌فهمیم که شارع متعال راضی نیست یک زن و کنیز در زمان واحد، دو شوهر داشته باشد. لذا نمی‌توان یک کنیز را برای دو نفر در یک زمان، تحلیل کرد» (نجفی، ۱۳۹۲ق: ۳۱۰/۳۰). مرحوم صاحب جواهر این عدم جواز تحلیل در زمان واحد برای دو نفر نسبت به کنیز واحد را بر اساس حکم مذاق شارع مطرح می‌کند، اما در حقیقت، این مذاق شرع، از حکم عقل مستفاد است.

حضرت امام خمینی در باب حرمت فروش قرآن به کفار و دست زدن آنان به قرآن می‌فرماید: «اهتمام شارع نسبت به تبلیغ دین اسلام، بسیار قوی‌تر از مفسده دست کشیدن کافر به خطوط قرآن است. لذا اگر مواردی باشد که دست زدن به قرآن و مطالعه آن موجب معرفت اندوزی و هدایت کافر می‌شود، در چنین مواردی، مصلحت انتشار قرآن در سرزمین غیرمسلمانان، موافق با مذاق شرع است و احتمال مس آن نمی‌تواند مانع نشر قرآن بشود» (امام خمینی، ۱۳۷۹ش: ۵۴۴/۲).

حضرت امام (ره) در این جا بر اساس قاعده تراحم و یک حکم عقلانی، به مذاق شرع تمسک کرده است.

مرحوم آملی در باب جواز مسح بر روی کفش در جایی که خوف خطر یا ضرر جانی می‌رود، به مذاق شرع استناد می‌کند و می‌فرماید: «در چنین جایی، مسح بر روی کفش جایز است؛ چون از مذاق شارع استفاده می‌شود که راضی به قتل و از بین رفتن مکلف نیست» (آملی، ۱۳۸۰ق: ۳۳۱/۳). استناد به مذاق شرع در بیان مرحوم آملی همان قاعده اولویت است که به حکم عقلی، مستظهر است.

مرحوم خوئی در باب مرجعیت، به برخی ادله قضاوت مانند علم و عدالت استناد می‌کند و می‌فرماید: «از آن جا که مرجعیت نسبت به قضاوت، از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، مذاق شرع اقتضا می‌کند که آن شرایط هم در ابتدا و هم در استدامه، در مرجعیت وجود داشته باشد» (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۱/۲۹۲).

مذاق شرع ناظر به عرف

بدون شک، شارع برای عقل، حجیتی مستقل در باب احکام و شریعت قائل شده و برای عرف از باب منبع حکم، چنین اعتبار مستقلی مطرح نفرموده است. اما بر اساس مباحثی که در علم اصول فقه مطرح شده، مبرهن می‌شود که این طور نیست که تفاهم عرفی، خالی از اعتبار باشد؛ خصوصاً که بسیاری از احکام و نصوص شرعی، با ارتکازات عرفی همراه شده است. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت که عرف یک منبع مستقل در رسیدن به احکام الهی و معارف دینی نیست، اما مفاهیم عرفی می‌تواند ابزاری در استنادات قرار بگیرد. بر همین اساس، در برخی از کلمات فقها گاهی استناد به مذاق شرع داده شده که مراد از آن، استظهار عرفی یا تفاهم عرفی مستفاد از نصوص شرعی است.

مرحوم حکیم در «مستمسک العروه» می‌فرماید: «از نظر نسب شرعی، دختر یا پسری که از زنا متولد شده باشد، فرزند شرعی پدر و مادر زناکار خود محسوب نمی‌شود. بنابراین اگر زنی، دختری را از طریق شرعی و دختر دیگری را از طریق زنا به دنیا آورده باشد، این دو دختر شرعاً خواهر یکدیگر حساب نمی‌شوند.» حال بحث در این است که اگر کسی با یکی از این دختران ازدواج کند، آیا می‌تواند دختر دیگر را به زوجیت درآورد یا از باب جمع بیت‌الاحتین، حرام است؟ مرحوم حکیم در این باره احتیاط می‌کند که چنین جمعی صورت نگیرد؛ هر چند این‌ها اختین شرعی نیستند. سپس می‌فرماید: «آنچه از مذاق شرع به دست می‌آید، حرمت نکاح، تابع نسبت‌های عرفی است» (حکیم، ۱۴۰۴ق؛ ۱۴/۲۵۹).

مرحوم آقای خوئی یکی از شرایط مرجعیت را بقای عقل و علم می‌داند و می‌فرماید: «از مذاق شرع، به قرینه ارتکاز عرف متشرعه برمی‌آید که نمی‌توان از مرجعی تقلید کرد که بر او نسیان عارض شده است» (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۱/۱۴۸).

اعتبارسنجی مذاق شرع (ارزیابی)

با تتبع در عبارات و اقوالی که فقها در آن‌ها به مذاق شرع استناد جسته‌اند، مشخص می‌شود

که میزان اعتبار این مذاق شرع برای فقها بسیار مورد توجه بوده است. بنابراین فقیهی مانند صاحب جواهر در جایی، مذاق شرع را غیر قطعی و خالی از حجیت و اعتبار دانسته (نجفی، ۱۳۹۲ق: ۳۱/۳۷) و در جای دیگر، مطلب را بعید از مذاق شرع می‌داند (همان: ۶/۳۲).

برخی از محققان، در این باب گفته‌اند که اگر مذاق شرع، مستفاد از ادله است، پس چرا مستقلاً مورد بررسی و استناد قرار می‌گیرد؛ و اگر غیر از این است، پس چرا باید منابع استنباطی، به چهار مصدر مشخص منحصر باشد؟ (علیدوست، ۱۳۸۴ش: ۲۴۳). این ایراد وارد نیست، اما لازم است به طور دقیق به آن پاسخ داده شود تا چنین ایرادهایی مطرح نباشد؛ و از سوی دیگر، دغدغه آن‌ها در این باره برطرف شود. در نتیجه، از دو جهت به این اشکال، پاسخ داده می‌شود.

جهت اول: مرحوم صاحب حدائق و مرحوم صاحب جواهر صراحتاً فرموده‌اند: «بسیاری از فقها که به مذاق شرع استناد جسته‌اند، اعتبار آن را از جهت اطمینان دانسته‌اند» (نجفی، ۱۳۹۲ق: ۳۰/۳۱؛ و بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۵/۲۷۹).

باید به این نکته توجه داشت که فقها با بررسی ادله و قرائن موجود در مسأله، به دنبال اطمینان نوعی در رسیدن به حقیقت حکم مسأله هستند؛ بنابراین در مواردی که اطمینان نوعی در کار نباشد، پرداختن و دستیابی به مذاق شرع، مقبول نخواهد بود و یقیناً از توجه دیگر فقها مغفول نخواهد ماند. بر همین اساس، برخی از فقها علم عرفی را در فهم موضوعات احکام، کافی دانسته‌اند (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق: ۲/۱۲).

جهت دوم: مرحوم کاشف الغطاء می‌فرماید: «مذاق شرع، مجموع ادله‌ای است که فقیه، از مجموع آن به نتیجه خاصی در استنباط می‌رسد که در واقع، مؤید به همان ادله است» (کاشف الغطاء، بی تا: ۱/۱۸۸).

با دقت در عبارات فقهی، مشخص می‌شود که مذاق شرع، یک دلیل مستقل و جدا در کنار منابع اصلی استنباط احکام شرع نیست، بلکه در تمامی موارد با پشتوانه‌هایی است که اعتبار و حجیت کامل دارند. بنابراین مرحوم حکیم در این باره می‌فرماید: «اگر فقیه در اثبات یک فتوا، به استنادات اصلی برسد همان را دنبال می‌کند و در چنین مواردی، پرداختن به مذاق غیر یقینی صحیح نیست که مذاق شرع، از آن جهت مورد تأیید است که با مستندات اصل، سازگار است» (حکیم، ۱۴۰۴ق: ۴/۳۵۷).

بنابراین با بررسی این دو جهت در مذاق شرع، باید گفت که فقیه مجموع ادله و احکامی را در یک مسأله بررسی می‌کند و به یک نتیجه و درک خاصی می‌رسد؛ این درک

خاص، به صورت صریح در ادله و احکام نیامده است ولی از آن ادله و احکام، جدا نیست تا دچار استحسانات و مصالح مرسله و امثال آن بشود. به تعبیر دیگر، مذاق شرع بنا بر آنچه گفته شد، به سان کلیدی است که در بسیاری مواقع، به کمک فقیه می‌آید تا شیوه استنباط او را تسهیل کند. این توجه، از برآیند مجموع ادله و قرائن و احکام شریعت است که موجب قطع یا دست کم، اطمینان نوعی به حکم شرعی می‌شود.

نتیجه

از مجموع مباحث قبلی درباره مذاق شرع، روشن می‌شود که فقهای بزرگوار در بررسی مسائل فقهی و احکام شرعی، گاهی از تجمیع ادله و بررسی قرائن موجود در آن، به یک نتیجه و درک خاص از مستفاد ادله و نصوص می‌رسند که موجب اطمینان نوعی می‌شود که چه بسا راهگشای دیگر فقیهان در حل مسائل باشد. بنابراین مذاق اگرچه یک دلیل مستقل و منبع اصلی استنباط احکام شرعی نیست، به ادله و نصوص متعددی مؤید است که حجیت و اعتبار آن قطعی است. بنابراین مذاق شرعی، نوعاً در جایی مطرح می‌شود که مسأله، دارای پشتوانه‌های دیگر است؛ و از سوی دیگر، خود مذاق شرعی نیز موجب قطع یا اطمینان به اثبات یک حکم می‌شود که از حجت‌های شرعی، جدا نیست.

منابع:

- ۱- ابن منظور، محمد ابن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، دارالعلم للطباعة و النشر، بیروت، چاپ سوم.
- ۲- آملی، محمدتقی (۱۳۸۰ ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، نشر مؤلف، تهران.
- ۳- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ق)، کتاب المکاسب، چاپ کنگره شیخ انصاری، قم، چاپ اول.
- ۴- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹ ش)، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی، تهران.
- ۵- _____، (۱۴۱۰ ق)، المکاسب المحرمه، مؤسسه اسماعیلیان، قم.

- ٦- بحر العلوم، محمد (١٤١٣ق)، بلغة الفقيه، مكتب السعادة، قم.
- ٧- بحراني، يوسف (١٤٠٥ق)، الحدائق الناظرة في احكام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامي، قم.
- ٨- حكمت نيا، محمود (١٣٨٥ش)، مذاق شريعت، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ٩.
- ٩- حكيم، سيدمحسن (١٤٠٤ق)، متمسك العروة الوثقى، مكتبة السيد المرعشي، قم.
- ١٠- حسيني عاملي، سيدمحمدجواد (١٤١٩ق)، مفتاح الكرامة، دفتر انتشارات اسلامي، قم.
- ١١- خويي، سيدابوالقاسم (١٤١٣ق)، الاجتهاد و التقليد، دارالهادي، قم.
- ١٢- _____، (بي تا)، مباني العروة الوثقى (كتاب نكاح)، منشورات دارالعلم.
- ١٣- رفاعي، عبدالجبار (١٤٢٢ق)، مقاصد الشريعة، دارالفكر، دمشق.
- ١٤- راسخ، عبدالمنان (١٤٢٠)، معجم اصطلاحات اصول الفقه، دمشق، دارالفكر.
- ١٥- عليدوست، ابوالقاسم (١٣٨٤ق)، فقه و عرف، پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامي، تهران.
- ١٦- _____، (١٣٨٨)، استناد فقهی به مذاق شريعت، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ٢٢.
- ١٧- _____، (١٣٨٤)، فقه و مقاصد شريعت، فصلنامه فقه اهلبيت، شماره ٤١.
- ١٨- عندليب، محمد (١٣٩١)، مذاق شريعت، فصلنامه فقه اهلبيت، شماره ٧٠-٧١.
- ١٩- غزالي، محمد (١٤١٧ق)، المستصفي من علم الاصول، دارالرسالة، بيروت.
- ٢٠- قمي، ميرزا ابوالقاسم (بي تا)، غنائم الايام.
- ٢١- كاشف الغطا، جعفر (بي تا)، كشف الغطا من مبهمات الشريعة الغراء.
- ٢٢- نجفي، محمدحسن (١٣٩٢ق)، جواهر الكلام، دارالكتب الاسلاميه، تهران.